

جِرابی و چگونگی تفاوت حماس با داعش و القاعده

غزه و جهاد جهانی

سجاد عطازاده

منجم

این متن ترجمه مقاله‌ای از کول بانزل، پژوهشگر موسسه هورور ایالات متحده آمریکا است و «فرهنگتخان» جهت قضاوت مخاطبان آن را منتشر می‌کند و بیانگر دیدگاه های روزنامه نیست.

■ ■ ■

کول بانزل، پژوهشگر موسسه هورور ایالات متحده آمریکا، در مقاله‌ای با عنوان «غزه و جهاد جهانی؛ چرا جنگ حماس و اسرائیل بعید است سبب احیای داعش و القاعده شود»، به طیح این گزاره پرداخته است که به دلیل تفاوت های ماهوی حماس با گروه‌هایی مانند القاعده و داعش امکان احیای آنچه در ادبیات غربی از آن با عنوان «تورویسم جهادگرایانه» نامیده می‌شود، وجود ندارد. اگرچه این مقاله دارای ادعاهایی نادرست درباره نبرد اخیر گروه‌های مقاومت با رژیم صهیونیستی است، نکته بسیار مهم آن اشاره به تفاوت حماس با گروه‌هایی مانند داعش و القاعده است که مساله فلسطین برای آنها اهمیت چندانی ندارد و به نوعی در پارل صهیونیسم بازی می‌کنند و در این میان به محکومیت و تکفیر حماس نیز پرداخته‌اند. خوانش آن مقاله می‌تواند پاسخی به شبهات جاری درباره تشبیه گروه مقاومت اسلامی حماس با گروه‌های سلفی تروریستی باشد.

پس از حمله مرگبار حماس در ۷ اکتبر، اسرائیل به سرعت این گروه را با دولت اسلامی عراق و شام (داعش) مقایسه کرد. حساب رسمی دولت اسرائیل در شبکه اجتماعی X که پیش‌تر توئیتر نامیده می‌شد، اعلام کرد: «تاکتیک یکسان و نام‌های مختلف؛ جهان داعش را شکست داد؛ ما نیز حماس را مغلوب خواهیم کرد.» این احساس قابل درک بود؛ وحشیگری غیرقابل‌وصف حماس در قتل عام حدود ۱۲۰۰ اسرائیلی، ازجمله زنان و کودکان و افراد مسن که بیشتر آن با سرخوشی در تصاویر ویدئویی هم ضبط شده بود، یادآوری وحشیگری و خون‌خواری داعش در روزهای اوج بود. به علاوه در روزهای پس از حمله، حماس تهدید کرد اقدام گروگان‌ها را پیش خواهد کرد، اقدامی که یادآور سبناه‌ترین روزهای داعش بود.

از ۷ اکتبر، این نگرانی وجود داشته است که حمله حماس و پاسخ ارتش اسرائیل در نوار غزه می‌تواند فرصتی برای جنبش جهادی جهانی فراهم کند تا پس از سال‌ها افول خود را احیاکنند. گروه‌های جهادی و حامیان آنها درخواست‌های متعددی برای انجام حملات تروریستی علیه اهداف یهودی و غربی صادر کرده‌اند و تاکنون مسئولیت حداقل یک حمله در اروپا از سوی داعش برعهده گرفته شده است. لشکرکشی طولانی مدت اسرائیل در غزه که جان هزاران مسلمان فلسطینی را خواهد گرفت، می‌تواند احساس ناراضیاتی را که گروه‌هایی مانند داعش به دنبال بهره‌برداری از آن هستند، تعمیق کند.
بایین حال باید از این نکته آگاه بود که حماس و گروه‌های جهادی جهانی انظار ایدئولوژیکی عمیقاً با یکدیگر در تضاد هستند. درواقع داعش در روزهای ابتدایی ظهور خود، حماس را به دلیل برخی خطاهای ادعایی تکفیر کرد. این‌گروه همچنین از تمجید از حمله ۷ اکتبر خودداری کرده است. القاعده رقیب داعش برای گرفتن عنان جهادگرایی جهانی این حمله را جشن گرفت و خواستار گسترش نبرد شد، اما این گروه نیز سابقه سرزنش حماس به دلیل تفاوت‌های ایدئولوژیکی را دارد. وضعیت میدانی ممکن است به اشتکالی مهم دستخوش تغییر شود. هرچه این درگیری طولانی‌تر و خونین‌تر شود، خشم مسلمانان بیشتر خواهد شد و جهان بینی جهادی اسلامی که دربرابر نیروهای کفر قرار گرفته است، اعتبار پیدا خواهد کرد اما نکته مهم این است که تفاوت‌های ایدئولوژیک میزان استفاده جهادی‌ها از این فرصت برای تقویت دوباره خود را محدود خواهد کرد.

بیش ازحد سیاسی

دغدغه اصلی جهادی‌های جهانی، جنگ علیه حاکمان «مرتد» خاورمیانه و حامیان آنهاست. اهداف اصلی امروزی آنها رژیم‌های محمد بن سلمان در عربستان سعودی، عبدالفتاح السیسی در مصر و بشار اسد در سوریه هستند. گروه‌های وابسته به داعش یا القاعده هرگز در سرزمین‌های فلسطینی فعال نبودند، البته مساله فلسطین درگفتمان جهادی همیشه برجسته بوده است. یکی از شعارهای القاعده این است: «ما می‌اییم ای الاقصی!» - اشاره‌ای به مسجدی در اورشلیم است که مسلمانان آن را سومین مکان مقدس در اسلام می‌دانند و در آن غالباً شاهد درگیری بین نامآگزاران مسلمان و نیروهای امنیتی اسرائیل هستیم. در سرگند معروفی که اسامه بن‌لادن در پیش از حملات ۱۱ سپتامبر ضبط کرد، خطاب به ایالات‌متحده اظهار داشت: «به خدای متعال که آسمان‌ها را بدون تلاش برافراشته سرگند، نه آمریکا و نه هرکسی که در این کشور زندگی می‌کند تا زمانی که امنیت برای ما ساکنان فلسطین تامین شود و همچنین قیل از خروج همه لشکریان کفار از سرزمین محمد، از امنیت برخوردار نخواهد بود.»

حماس در سال ۱۹۸۷ به‌عنوان شاخه فلسطینی اخوان‌المسلمین تاسیس شد؛ سازمانی سیاسی که جهادی‌ها آن را به دلیل رویکرد تدریجی به اسلامی سازی و تمایل برای فعالیت در چهارچوب نظام‌های سیاسی موجود محسوم می‌کنند. البته به‌وجود چنین اختلافاتی، رهبران جهادی پیش‌تر اعلام کنند و بینندگان و شنوندگان این اخبار درون‌ک فقط آمارهای جدید یا با آمارهای روز قیل مقایسه کنند و در خوببینانه‌ترین حالت، گریه به ایوان خود بیفزایند و تنها به یک آ کوتاه بسنده کرده و با خود رزمزه کنند که وی آمار کشته‌ها چقدر بالا می‌رود!

این وضعیت بفرنج انسانی که مقدمه سریع برای یک قتل عام گسترده با

باین حال حماس در سال ۲۰۰۶ در انتخابات مجلس قانونگذاری فلسطین شرکت کرد و پیروز شد و بافتح جناح مسلط سازمان آزادی بخش فلسطین، یک دولت وحدت تشکیل داد. پاسخ رهبری القاعده فوران محکومیت این اقدام بود. بن‌لادن به حماس درباره ماهیت شرک‌آمیز دموکراسی هشدار داد و بر ممنوعیت پیوستن به مجامع مشرکانه تأکید کرد. او طی سخنرانی در سال ۲۰۰۷ تا آنجا پیش‌رفت که گفت رهبری حماس با استقبال از تشکیلات خودگردان فلسطین و درنتیجه به رسمیت شناختن توافق‌هایی که حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد- اشاره به توافقنامه اسلو- «از دین خود دست کشیده است.» در سال‌های بعد هم القاعده از حماس به دلیل عدم اجرای قوانین اسلامی در غزه، ایجاد روابط نزدیک با رژیم شیعه ایران و آزار و اذیت گروه‌های جهادی محلی در غزه مانند جند انصارالله و جیش‌الامه انتقاد کرد. به علاوه جهاد اسلامی فلسطین هم یکی دیگر از گروه‌های شبه‌نظامی فعال در غزه و کرانه باختری است که هیچ ارتباطی با القاعده یا داعش ندارد و حتی از حماس نیز به ایران نزدیک‌تر است.

باین حال القاعده مراقب بود که حماس را به‌طور کامل حذف نکند و به همین دلیل سیاست تمایز بین شاخه سیاسی حماس و شاخه نظامی آن، گردان‌های قسام را در پیش گرفت اما دست‌اندازهایی نیز در این میان وجود داشت. در سال ۲۰۰۹، یکی از فرماندهان ارشد القاعده به نام مصطفی ابوالزید طی اشتباهی به الجزیره گفت: «ما و حماس تفکر و روش یکسانی داریم.» پس از سرزنش علنی توسط یک ایدئولوگ برجسته جهادی، او اذعان به اشتباه خود کرد و توضیح داد رویکرد القاعده به حماس این بوده که بین حماس به عنوان یک سازمان سیاسی که مرتکب اشتباهات متعدد شده است و مجاهدین صالحی که زیر پرچم این گروه می‌جنگند، تمایز قائل شود. باین حال متفکران تندروتر حاضر در جنبش جهادی این رویکرد سازشکارانه را قبول نداشتند، مثلاًابومحمد المقدسی، یک ایدئولوگ بانفوذ اردنی که عموماً از حامیان القاعده محسوب می‌شود، این ایده را رد کرد که می‌توان بین تشکیلات سیاسی حماس و شاخه مسلح آن تمایز قائل شد. هنگامی که در تابستان ۲۰۲۱ درگیری‌ها بین اسرائیل و حماس آغاز شد، او علناً این ادعا را که کشته‌شدگان جنگ حماس شهید هستند، رد کرد و نوشت: «هرکس در راه دموکراسی و در حمایت از گروهی که از اجرای شریعت خودداری می‌کند و دموکراسی را برمی‌گزیند، کشته شود شهید نیست بلکه تنها یک جنازه است.» زمانی که القاعده درائشی همین جنگ بیانیه‌ای صادر کرد و در آن به «مجاهدین» غزه سلام داد و به مبارزان کشته شده حماس تسلیت گفت، مقدسی این سوال را مطرح کرد که آیا القاعده راه خود راگم کرده است یا خیر. او پرسید که چگونه القاعده می‌تواند حماس را ستایش کند؛ آن هم درحالی که این گروه خود را با ایران و با اسد سوریه همسو می‌دکیرد و فرآیندهای دموکراتیک می‌شود؟

آرمان از دست‌رفته

داعش حتی تحمل کمتری نسبت به حماس دارد و کل آن را یک گروه مرتد می‌داند. از نظر این گروه، حماس نه‌تنها گروهی است که مستحق حمایت نیست، بلکه مستحق تکفیر آشکار است - رویکردی که نشان‌دهنده پیروی متعصبانه‌تر داعش [در مقایسه باالقاعده]از اصول اعتقادی انحصاری سلفی‌گری است که بر پاک‌سازی دین از همه چیزهای که بوی «شرک» می‌دهد، تأکید دارد. درطول سال‌های گذشته نیز داعش به‌طورمعمول حماس را محکوم کرده است. سرمقاله‌ای که در سال ۲۰۱۶ در هفته‌نامه عربی داعش، النبیا منتشر شده بود، «جنبش مرتد حماس» را به دلیل ارتکاب «شرک دموکراسی» و عدم اجرای قوانین شریعت مورد سرزنش قرار داده بود. در این مقاله آمده بود: «جهاد برای بازپس‌گیری بیت‌المقدس از دست یهودیان جایز نیست، مگر اینکه در مسیر حذف حکومت حاکمان بت‌پرست و استقرار کامل دین در آنجا باشد.» از دیدگاه داعش، ایجاد یک دولت اسلامی آشکارا هدف حماس نیست و حتی اگر این گروه فلسطینی بتواند اسرائیل را شکست دهد، این امر تنها به‌معنای جایگزینی یک نظام بت‌پرستی به جای دیگری خواهد بود.

در این سرمقاله همچنین تصریح شده بود که اولویت راهبردی و الهیاتی باید مبارزه با رژیم‌های کشورهای عربی همسایه باشد. مبارزه با آنها بر مبارزه با اسرائیل ارجحیت دارد. زیرا این رژیم‌ها محافظان دولت یهود و توانمندسازان آن هستند. علاوه بر این، حاکمان مذکور «مرتد» از اسلام تلقی شده و مانند یهودیان «کافران فطری» نیستند و به همین دلیل دین آنها برای داعش خطرناک‌تر از اسرائیل است.

برخی از پیشگامان داعش، ازجمله ابومصعب الزرقاوی، رهبر سابق القاعده در عراق، و این ایده را مطرح کرده‌اند که فتح بیت‌المقدس - به معنای نابودی دولت اسرائیل - متعلق به آینده است. زرقاوی در یکی از سخنرانی‌های خود اظهار داشت همان‌طور که صلاح‌الدین، جنگجوی بزرگ مسلمان قرون‌وسطایی، امپراتوری فاطمی را در مصر قیل از بازپس‌گیری اورشلیم از صلیبیون در سال ۱۱۸۷ نابود کرد، امروز نیز رسیدن به اورشلیم مستلزم مبارزه با «مرتدین» است که با مسیحیان و یهودیان همکاری می‌کنند.

دستگاه رسانه‌ای داعش از تأکید بر اولویت جهاد در سرزمین‌های فلسطین بیزار بوده و حتی اذعان کرده است که این کار را نخواهد کرد. در ۹ آوریل ۱۹۲۸، کشتار دیربایسین به چه شکلی اتفاق افتاد و چگونه طی آن، ۱۲۰۰تورویست صهیونیست به روستای فلسطینی دیربایسین در پنج کیلومتری غرب اورشلیم حمله کردند و تقریباً همه ۲۵۰ ساکن روستای دیربایسین را قتل‌عام کرده و این رفتار و وحشیانه را چند سال بعد در روستای کفرقاسم هم به نوعی تکرار کرده

«مساله اول مسلمانان» تبدیل کرده بودند؛ تا جایی که برخی با آن به عنوان یک «بت» رفتار می‌کردند. داعش ادعا کرد که این رویکرد اشتباه بوده است زیرا هیچ سرزمینی ازنظر اولویت جهادی نباید بالاتر از دیگری قرار گیرد. پنج سال بعد، سرمقاله دیگری در النبأ اظهار داشت که «سربازان خلافت در مساله فلسطین مبالغه نکرده و آن را در میان مسائل مسلمانان یک استثنا نگرفته‌اند.» اگرچه مساله فلسطین برای داعش اهمیت داشت، اما چیزی نبود که توجه آن را از میدان‌های مهم جنگ در جاهای دیگر منحرف کند. فعالیت داعش در اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی، مانند القاعده، بسیار کم بوده است. مثلاًدر اوایل سال ۲۰۲۲، این گروه مسئولیت حمله با چاقو و زیرگیری با خودرو در جنوب اسرائیل توسط یک اسرائیلی عرب که با خلافت بیعت کرده بود را برعهده گرفت.

تمجید خاموش

جای تعجب نیست که القاعده حمله هفت اکتبر را تحسین کرد و آن را در چهارچوب یک جهاد جهانی علیه اتحاد «صهیونیستی-صلیبی» قرار داد. هر یک از شاخه‌های منطقه‌ای القاعده - هند، شمال آفریقا، ساحل، سومالی، سوریه و یمن- بیانیه‌های تریک خطاب به «مجاهدان» فلسطینی صادر کردند. برخی نیز به‌طور خاص از گردان‌های قسام نام بردند اما هیچ یک از آنها، مطابق با سیاست رسمی القاعده، حماس را تشویق نکردند. در ۱۵اکتبر، بیانیه‌ای رسمی توسط رهبری ارشد القاعده منتشر شد که عملیات حماس را تمجید کرد و خواستار بسیج مردم برای کمک به این نبرد شد. بسیج موردنظر شامل گشودن جبهه‌های جدید در امتداد مرزهای اسرائیل و قاچاق جنگجویان به غزه از اردن و جاهای دیگر برای هدف قرار دادن «صلیبیون» و اسرائیلی‌ها در همه جای ممکن خواهد بود. به‌ویژه، در این بیانیه از مسلمانان خواسته شده بود که «صهیونیست‌ها را در خیابان‌های ابوظبی و دبی در امارات، مراکش و رباط در مراکش، جدّه و ریاض در عربستان سعودی و منامه در بحرین مورد هدف قرار دهند؛ کوه‌هایی که روابط خود را در چهارچوب توافق ابراهیم با اسرائیل عادی کرده یا مانند عربستان امیدوار به این کار بودند. در این بیانیه به «قهرمان اسکندریه» اشاره شده بود؛ اشاره‌ای به مردی مصری که دوگردشگر اسرائیلی و راهنمای تور مصری آنها را در هشت اکتبر به ضرب گلوله کشت.

داعش تا ۱۹ اکتبر که طی سرمقاله‌ای در هفته‌نامه النبأ به این حمله پرداخت، موضع‌گیری عمومی درباره این مساله نداشت. حتی در این سرمقاله نیز به‌طور مشخص به حمله هفت اکتبر اشاره‌ای نشده بود و با تقبیح حماقت جنگ «تحت لوای محور ایران» به محکومیت حماس نیز پرداخته شده بود. در این سرمقاله آنچه «طرح عملی» پایان دادن به «دولت پوشالی یهودیان» نامیده شده بود، ارائه گشته بود. چنین تلاشی نه‌تنها شامل جنگ در سرزمین‌های فلسطینی می‌شود، بلکه «حضور یهودیان» در سراسر جهان، به‌ویژه جوامع یهودی ایالات‌متحده و اروپا را نیز هدف قرار خواهد داد. ریشه‌کن کردن دولت یهود مستلزم حمله به غرب و آن دسته از «ارتش‌ها و دولت‌های مرتد عرب» است که از موجودیت اسرائیل حمایت می‌کنند. از مبارزان غزه و کرانه باختری نیز خواسته شده بود تا

«پرچمی» را که تحت آن می‌جنگند پاک‌سازی کنند- به معنای پذیرش نسخه اسلام مورد حمایت داعش- و پس از آن وارد مسیر جهاد شوند. داعش نیز مانند القاعده تمایل دارد تا جنگ به‌گونه‌ای گسترش یابد که همه در آن مورد هدف قرار گیرند؛ یهودیان در همه جهان، غرب و کشورهای عربی. اما برخلاف القاعده، هیچ حمایتی از ستیزه‌جویان فلسطینی حاضر در میدان ابراز نکرده است و در عوض اظهار داشته که آنها باید خودشان را اصلاح کنند. اگرچه داعش با «مردم مسلمان ما در فلسطین» همدردی کرده است اما این اطمینان را نداده که فلسطینی‌ها در مسیر درستی قرار دارند.

محلی ماندن

جدای از کلمات، گروه‌های جهادی جهانی مانند القاعده و داعش منابع کمی را به آرمان فلسطین اختصاص داده‌اند و در غزه یا کرانه باختری حضور چندانی ندارند. حضور تقریباً انحصاری حماس در صحنه شبه‌نظامی‌گری اسلام‌گرای فلسطینی احتمالاً مانع از آن می‌شود که القاعده یا داعش نقش مهمی در هرگونه مقاومت در برابر تهاجم زمینی اسرائیل به غزه ایفا کنند. بازیگران جهادی که مشتاق پیوستن به مبارزه در غزه هستند، احتمالاً با موانع غیرقابل عبوری برای دسترسی به این منطقه منزوی روبه‌رو خواهند شد. حتی اگر جنگجویان خارجی به نبرد در اسرائیل یا غزه نپیوندند، این امر بدان معنا نخواهد بود که خشونت جهادی نمی‌تواند در سرزمین‌های دیگر شعله‌ور شود. القاعده و داعش در سراسر جهان اسلام و همچنین در اروپا و ایالات متحده حامیانی دارند و برخی از آنها ممکن است با روی باز به درخواست‌ها برای ارتکاب اقدامات تروریستی پاسخ دهند. در مورد داعش که شبکه حامیان بسیار بزرگ‌تری را در اختیار دارد، این تهدید بزرگ‌تر است. در ۱۳ اکتبر، یک مهاجر چچنی که به داعش اعلام وفاداری کرده بود، یک معلم مدرسه را در فرانسه با چاقو به قتل رساند. در ۱۶ اکتبر نیز، یک مهاجر تونس‌ی دو شهروند سوئدی را در حوالی یک استادیوم فوتبال در بلژیک به ضرب گلوله کشت و انگیزه خود را انتقام از قرآن‌سوژی در سوئد و قتل اخیر یک پسر بچه فلسطینی-آمریکایی شش‌ساله درشیکاگو اعلام کرد. شاخه رسانه‌ای داعش مدعی شد که این مهاجم تونس‌ی به درخواست‌های این گروه برای حمله به

شهروندان کشورهایی که در عراق و سوریه با داعش می‌جنگند، پاسخ داده است. در این اظهارات اشاره‌ای به اسرائیل یا مساله فلسطین نشده بود.

جنگ غزه ممکن است هواداران رویکرد جهادی در غرب را به انجام اقدامات خشونت‌آمیز بیشتر تحریک کند اما چندان محتمل نیست که این نبرد سبب دادن جانی دوباره به جنبش بزرگ‌تر جهادی شود. رهبری داعش در سوریه زیر حمله است یا در زندان به سرمی‌برد و سرعت حملات شورشیان این سازمان در این کشور و همچنین عراق به میزان قابل‌توجهی کاهش یافته است. حضوراصلی داعش امروز در جنوب صحرای آفریقا و افغانستان است، نه خاورمیانه. القاعده نیز علی‌رغم یک شاخه نسبتاً فعال در یمن، حضور حداقلی در پایگاه‌های سابق خود در منطقه دارد و به گفته واشنگتن، برای استفاده از حکومت جدید طالبان در افغانستان تلاش کرده است. القاعده ممکن است مشتاق سود بردن از جنگ جدید بین اسرائیل و حماس باشد، اما این گروه در دهه گذشته، کمتر از داعش توانایی الهام بخشیدن به تورویسم بین‌المللی را داشته است. مشکل داعش هم این است که هرگز با همان شور و اشتیاق رقیب خود القاعده، آرمان فلسطین را نپذیرفته و از حماس جناح اصلی فلسطینی که با اسرائیل می‌جنگد، حمایت نکرده است. اگرچه داعش از اقدامات تروریستی علیه اهداف یهودی خوشحال می‌شود، اما فقط از آنچه جهاد «خالص» در سرزمین‌های فلسطینی می‌داند- یعنی جهاد کسانی که به ایدئولوژی آن پایبند هستند- حمایت می‌کند. تا زمانی که القاعده یا داعش به نحوی برای خود جای پایی در میدان فلسطین ایجاد نکنند، طلوع ستاره اقبال دا گروه به سبب جنگ اخیر دشوار خواهد بود.



فرهنگتخان

جهان‌شهر



دوشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۲



شماره ۴۰۰۶



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

۱۵

باز کرده و به زعم خود، خوش بین هستند ملت مظلوم فلسطین و در رأس آنها ساکنان غزه از تجربه‌های تلخ هموطنان خود در دهه‌های قبل درس عبرت گرفته و به هیچ عنوان حاضر به ترک خانه و کاشانه و سرزمین آبا و اجدادی خود نیستند؛ هر چند صهیونیست‌ها به تکرار اعمال وحشیانه خود پافشاری کرده و بی‌وقفه مناطق مسکونی غزه را بمباران و موشک باران کنند و باعث شهادت شهروندان بی‌شماری از زن و مرد، کوچک و بزرگ و حتی کودکان و خردسالان شوند. شکی نیست که تداوم چنین رفتار وحشیانه‌ای از سوی رژیم نامشروع و غاصب صهیونیستی، پرونده آدم‌کشی دسته جمعی یا بهتر است بگوییم قتل عام گسترده شهروندان بی‌دفاع را روزبه‌روز سنگین‌تر می‌کند و همین عملی خواهد شد تا نابودی این رژیم غاصب و آدم‌کش سرعت بیشتری به خود بگیرد و تحقق وعده امیدبخش مقام معظم رهبری در نابودی رژیم صهیونیستی در آینده‌ای نه‌چندان دور، نزدیک و نزدیک‌تر جلوه کند.